



(https://www.youtube.com/user/IntlCampforHRinIran)

(https://twitter.com/ICHRI_FA)

(https://www.facebook.com/iranhumanrights.org)

(https://soundcloud.com/ichripodcasts)

کمپین

حقوق بشر

ایران

Center for Human Rights in Iran
(/HTTPS://PERSIAN.IRANHUMANRIGHTS.ORG)

اهدا کنید
y.org/campaign/center-
for-human-
rights-in-
iran/c131842

(/HTTPS://WWW.IRANHUMANRIGHTS.ORG/MEDIA/IN-THE-MEDIA-2017) کمپین در رسانه‌های جهانی

(/HTTPS://PERSIAN.IRANHUMANRIGHTS.ORG/PUBLICATIONS) انتشارات

چندرسانه‌ای

(/HTTPS://PERSIAN.IRANHUMANRIGHTS.ORG/CATEGORY/LATEST-NEWS) آخرین خبرها

(/HTTPS://PERSIAN.IRANHUMANRIGHTS.ORG/CATEGORY/STATEMENTS) بیانه

خانه (/)

(https://persian.iranhumanrights.org/1395/07/golrokh-ariaei)

https://www.facebook.com/sharer/sharer.php?u=https://persian.iranhumanrights.org/1395/07/golrokh-ariaei&redirect_uri=https://persian.iranhumanrights.org/sharing-thankyou=yes

مقدسات برای یک داستان منتشر نشده



https://plus.google.com/share?

(url=https://persian.iranhumanrights.org/1395/07/golrokh-ariaei

tg://msg?

anhumanrights.org/%2F1395%2F07%2Fgolrokh-%20نشده%20منتشر%20داستان%20یک%20برای%20مقدسات%20به%20توهین%20به%20ایرانی%20گلرخ%20برای%20زندان%20سال%20شش%20شش%20ariaei%2F



shares 595

مهر ۱۹، ۱۳۹۵



گلرخ ابراهیمی ایرانی، فعال مدنی که به اتهام توهین به مقدسات و تبلیغ علیه نظام به شش سال حبس محکوم شده، به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت که مأموران اجرای احکام طی تماس تلفنی از او خواسته اند خود را برای اجرای حکم حبس به زندان اوین تهران معرفی کند.

گلرخ ابراهیمی (/https://persian.iranhumanrights.org/1395/04/arash-sadeghi-6)، همسر ارش صادقی (/https://persian.iranhumanrights.org/?s=%D8%A2%D8%B1%D8%B4+%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%82%DB%8C&submit=Search) دیگر فعال مدنی که او نیز هم اینک در زندان به سر می برد، به کمپین گفت: “روز سه شنبه ۱۳ مهر کسانی که خود را مأمور اجرای احکام معرفی کردند، بدون اینکه احضاریه کتبی برای من بفرستند، زنگ زدند که باید خودت را به زندان معرفی کنی و گرنه هر جا که باشی پیدا و بازداشت می کنیم، من به دلیل اینکه احضار تلفنی قانونی نیست، خواستار احضاریه رسمی کتبی شدم، ولی هنوز احضاریه ای دریافت نکردم.”

SHARE THIS

به گفته گلرخ ایرانی، او به دلیل داستان منتشر نشده ای در دفترچه شخصی اش به توهین به مقدسات متهم شده است. در این داستان زنی پس از دیدن فیلمی درباره سنگسار یک زن در ایران، از شدت عصبانیت نسبت به احکام مذهبی، اقدام به سوزاندن قرآن می کند، بازجویان با وجود انکارهای این فعال مدنی، اصرار داشته اند که این یک داستان نیست و خاطرات شخصی گلرخ ایرانی است، گلرخ ایرانی در بازجویی ها و در دادگاه مرتباً این موضوع را تکرار کرده است که این یک شخصیت داستانی است و در حکم نهایی دادگاه گلرخ ایرانی نیز ذکر شده است که او «آتش زند قرآن را در بازجویی ها نپذیرفته و آن را صرفاً یک داستان عنوان کرده است.

او درباره این که چطور به توهین به مقدسات محکوم شده به کمپین گفت: «داستان ها و اشعارم در شب تفتیش منزل توسط تیم بازداشت کشف شد و از روز سوم بازجویی ها به اتهام اهانت به مقدسات تحت فشار قرار گرفتم، ده ها بار به جهت قرآن سوزی که در متن داستان توسط فردی که به جهت سنگسار دچار آشوب ذهنی شده بود انجام گرفت مورد بازجویی قرار گرفتم. با اینکه هر بار توضیح دادم این یک داستان است و گفتم و نوشتم که اگر بر این مبنا مورد اتهام قرار گیرم باید برای خیلی از فیلم نامه نویسندگان و داستان نویسندگان قرار مجرمیت صادر کنید، اما اهمیتی ندادند و نهایتاً به اشد مجازات ماده ۱۰۰ مربوط به این اتهام محکوم شدم و در دادگاه تجدید نظر نیز حکم تأیید گردید. از اتهامی که بر من به جهت اهانت به مقدسات وارد کردند در بازجویی ها سو استفاده نموده و همسر را در شرایطی قرار می دادند که صدای بازجویی هایم را در مورد قرآن سوزی بشنود و مرا تحت فشار قرار میدادند و با تهدید به اعدام شرایط روحی بدی را برای هر دو نفرمان ایجاد میکردند.»

کشف حجاب و ترویج بی حجابی از طریق گذاشتن عکس های بدون روسری در کنار همسرش در فیسبوک، مخالفت با حکم قصاص، امضای بیانه هایی در مخالفت با مجازات اعدام، شرکت در تجمعات حمایت از زندانیان سیاسی و دیدار با زندانیان سیاسی بخشی از فعالیت هایی است که در حکم دادگاه به عنوان مصداق اتهامات و «فعالیت های ضد امنیتی» گلرخ ایرانی ذکر شده است.

گلرخ ابراهیمی ایرانی ۱۵ شهریور ۱۳۹۳ به همراه همسرش آرش صادقی (https://persian.iranhumanrights.org/?s=%D8%A2%D8%B1%D8%B4+%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%82%DB%8C&submit=Search) و دوستانش نوید کامران (https://persian.iranhumanrights.org/1394/12/navid-kamran) و بهنام موسیوند توسط ماموران قرارگاه ثارالله اطلاعات سپاه پاسداران بازداشت شد و ۱۵ مهرماه به قید وثیقه آزاد شد، نوید کامران و بهنام موسیوند نیز پس از چند روز به قید وثیقه آزاد شدند ولی همسرش آرش صادقی تا ۲۴ اسفند در بازداشت ماند و پس از پایان بازجویی هایش در بند دو الف سپاه به قید وثیقه آزاد شد.

شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی در اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ هر چهار تن را در یک پرونده مشترک محاکمه کرد، طی حکم دادگاه انقلاب، آرش صادقی به ۱۵ سال حبس، همسرش خانم گلرخ ایرانی به شش سال حبس و بهنام موسیوند و نوید کامران هر کدام به ۱۸ ماه حبس محکوم شدند. دادگاه تجدید نظر در تاریخ اول دی ماه ۱۳۹۴ حکم گلرخ ایرانی و آرش صادقی را عیناً تأیید کرد و حکم بهنام موسیوند و نوید کامران را به یک سال کاهش داد، آرش صادقی، نوید کامران و بهنام موسیوند در حال حاضر برای تحمل حبس در زندان به سر می برند و حکم گلرخ ایرانی نیز در شرف اجرا شدن است.

گلرخ ایرانی در شانزدهم تیرماه و پس از زندانی شدن همسرش آرش صادقی، در گفتگویی به کمپین گفت (https://persian.iranhumanrights.org/1395/04/arash-sadeghi-6): «من اصلاً دادگاه بدوی نداشتم. جلسه اول فقط آرش را پذیرفتند. من، بهنام و نوید را نپذیرفتند جلسه دوم دادگاه هم من بیمارستان بودم و جراحی سنگینی کرده بودم، تمام مدارک پزشکی را هم به دادگاه ارائه داده بودند و آقای صلواتی نپذیرفت و دادگاه را به صورت غیابی تشکیل داد. یعنی من به صورت غیابی محاکمه و به ۶ سال زندان محکوم شده ام.»

خانم ایرانی در خصوص اتهامات خود که مبنای صدور شش سال حکم زندان بوده است، گفت: «وقتی برای تفتیش به خانه ما رفتند یکسری سررسید حاوی دست نوشته های من بود که از خانه ما بردند. یکسری داستان و شعر بود که هیچ کجا انتشار نداده بودم نه در فضای مجازی و نه در هیچ محفلی خوانده نشده بود. بر مبنای این دست نوشته ها و همچنین یکسری از پست های فیسبوکی ام که در حمایت از شاهین نجفی بوده به من اتهام توهین به مقدسات زند و ۵ سال حکم دادند. یک سال هم بابت تبلیغ علیه نظام که به ارتباط با خانواده های کشته شدگان و خانواده های زندانیان استناد کردند. حتی تماس های تلفنی هم برای شان خیلی مهم بود. یکسری عکس و ویدئو از خودم داشتم از تجمعات ۸۸ که هیچ کجا منتشر نشده بود و من حتی در فیسبوک خودم هم نگذاشته بودم اما استناد کردند به مجموع اینها و به من اتهام تبلیغ علیه نظام و حکم یک سال دادند. در دادگاه تجدیدنظر، آقای رئیسایان، وکیل ما از سایت رسمی آقای خامنه ای استفتای ایشان را پرینت گرفته بودند و ارائه دادند که آقای خامنه ای گفته بوده اگر اهانتی به مقدسات در فضای شخصی و در خفا اتفاق بیفتد و عمومی نباشد به حالت مجرمیت نمی تواند دریابید و از لحاظ قانونی اهانت تلقی نمی شود. اما با وجود اینکه وکیل من برگه را روی پرونده من گذاشتند اما بازهم اشد مجازات را برای اهانت به مقدسات به من دادند و حکم عیناً در دادگاه تجدیدنظر تأیید شد.»

گلرخ ایرانی در پاسخ به این سوال که شما و همسر و دوستانتان چرا بازداشت شدید و مستندات اتهاماتی که به شما منتسب کردند چه بود، گفت: «فعالیت هایی که ما داشتیم بیشتر در فضای مجازی بود. با خانواده های کشته شدگان و خانواده های زندانیان سیاسی در ارتباط بودیم و یکی از چیزهایی که خیلی توی بازجویی هم اشاره می کردند، ارتباط با زندانیان بود. بچه هایی که در بندهای عمومی بودند و امکان تلفن داشتند تماس می گرفتند و از اتفاقاتی که می افتاد با آرش حرف می زدند و آرش در فیس بوکش می نوشت. مثلاً اعزام به بیمارستان داشتند انجام نمی شد یا نیاز به مرخصی استعلاجی داشتند و انجام نمی شد. وقتی خواسته های برحق شان انجام نمی شد تماس می گرفتند با آرش و او هم در صفحه فیسبوکش منعکس می کرد. این را نشر اکاذیب در فضای مجازی قلمداد کردند و خیلی فشار آوردند که دروغ نوشتید و قصد برهم زدن نظم داشتید و .. کلاً فعالیت های ما، فعالیت های فیسبوکی بود و ارتباطاتی که داشتیم، می گفتند سیاه نمایی می کنید و منظورشان اشاره به بچه هایی بود که کشته شده بودند و از اینکه در مراسم آنها ما یا هر کس دیگر شرکت کند چه در حد یک عکس، چه در حد انعکاس دادن آن مراسم، بسیار برای شان سنگین است و نمی توانند تاب بیاورند. بابت مجموعه این فعالیت ها سراغ آرش آمده بودند که به بازداشت ما سه نفر هم منجر شد.»

گلرخ ایرانی افزود: «کل پرونده، پرونده سازی بود و به قدری مضحک نوشته شده بود که حتی از ارائه پرونده به وکیل هم خودداری کردند. هیچ ادله مشخصی نداشتند و هیچ چیز قابل استنادی در پرونده نبود. فقط در دادگاه تجدیدنظر که وکیل با آرش حضور داشت حدود ۴۰ صفحه از گردش کار کارشناسی تیم بازجویی را در اختیار آقای رئیسایان قرار دادند و تنها چیزی که آقای رئیسایان توانست از پرونده آرش بخواند همان گردش کار بازجویی بوده وگرنه پرونده را اصلاً مطالعه هم نتوانست بکند. آرش در دادگاه بدوی که در دو جلسه در اردیبهشت و تیرماه ۹۴ تشکیل شد به تنهایی از خودش دفاع کرد و از پذیرفتن آقای رئیسایان در دادگاه خودداری کردند. از ابتدا بابت وکیل ما چندین بار تحت فشار قرار گرفتیم. ابتدا آقای پیمان عطار وکیل ما بودند که که ثارالله سپاه ایشان را تحت فشار قرار داد، بعد هم آقای رئیسایان که ایشان را هم تحت فشار قرار دادند گفتند وکیل خودمان داریم و ما نپذیرفتیم و نهایت آقای رئیسایان را نگذاشتند پرونده را بخواند و از آرش دفاع کند.»

گلرخ ابراهیمی همچنین درباره همسرش آرش صادقی که طی ۷ سال گذشته چهار بار بازداشت شده و در نهایت پس از پنجمین بازداشت برای اجرای حکم ۱۹ ساله، به اوین رفته است ادامه داد: «آرش بعد از بازداشت اول و دومی که داشت همچنان به رویه سابق اش ادامه داد همچنان اعتراض می کرد به خصوص اینکه تعداد زیادی از بچه هایی که بعد ۸۸ زندانی شده بودند از ایران خارج شده اند اما تعدادی که مانده اند الان بالای ۹۰ درصد به دانشگاه بازگشته اند، اما آرش از حق تحصیل محروم شده. علاوه بر آن اتفاقی که برای خانواده اش افتاد، مادرش فوت کرد و بابت این قضیه همیشه خانواده آرش از او شاکی بوده اند و حتی تا همین لحظه آرش را مسیب مرگ مادرش می دانند. رسماً خانواده آرش متلاشی شد و همه کس خود را از دست داد. طبیعتاً بابت همین می تواند همیشه معترض باشد که چرا یک عده شبانه ریختند خانه ما و با شکستن شیشه در، دست انداختند کلید را از داخل چرخاندند در را باز کردند و وارد خانه شدند. به آرش گفتند دزد بوده. خانواده آرش در شهرکی زندگی می کنند که همین الان هم ما در شهرک هستیم»

SHARE THIS

چطور ممکن است در چنین شهرکی ۴ مرد اینطور داخل خانه بریزند؟ کسانی هم که آن شب ریختند خانه آرش و مادر او فوت کرد چرا فقط وسایل شخصی آرش یعنی کیس کامپیوتر و دست نوشته ها و سی دی ها و کتاب های او را بردند؟ آرش همیشه این مسائل را مطرح کرده و پی گیر بوده است. آرش همیشه بابت وضعیت تحصیلی اش و بابت مرگ مادرش معترض و پی گیر بود. یک سال و نیم که بازداشت بود و مشخص نبود که کجاست، او را در انفرادی های طولانی مدت نگه داشته و تمام مدت می خواستند آرش را راضی کنند که تو از اینجا خارج می شوی می توانی به دانشگاه برگردی، به زندگی عادی برگردی و هرشغلی که می خواهی داشته باشی اما پی گیر مساله مادرت نباش و هیچ اعتراضی بابت آن شب نداشته باش. آرش این را نپذیرفت. برای آرش فقط از دست دادن مادرش نبود. از دست دادن همه ارتباطات اش با کل گذشته و کل زندگی پیشین اش بود. متأسفانه آرش را خیلی سر این قضیه آزار دادند تا بازداشت آخری که داشتیم. ما بهمین ۹۲ ازدواج کردیم و شهریور ۹۳ بازداشت شدیم و حالا هم که آرش زندان است و من هم حکامم تأیید شده و منتظر هستم."

خانم ایرانی هم چنین گفت: "من و آرش با هم خیلی فکر کردیم که چه برنامه ای برای بعد از این می توانیم داشته باشیم اما هیچ کدام نتوانستیم راضی شویم که از ایران خارج شویم و همچنان به حکمی که به ما داده اند معترض هستیم. نه حق من این حکم است نه حق آرش. ما همچنان خواستار این هستیم که بازبینی مجددی در پرونده آرش بشود. دادگاه علنی که قطعاً در تعریف اینها نمی گنجد. دست کم دادگاه اگر غیر علنی است و کیلی در کنار آرش باشد که بتواند پرونده را مطالعه کند. در پرونده یکسری چیزها را سرهم کرده اند، گروهکی را در توهم خود ساخته اند به نام گروهک آرش صادقی و یک افرادی که کاملاً به هم بی ربط هستند. غیرسیاسی ترین افراد هم می توانند متوجه شوند که این افراد کاملاً به هم بی ربط هستند و در یک مجموعه، آن هم زیر پرچم آرش صادقی نمی گنجند... ما اعتراض کردیم و گفتیم حتی به اندازه یک اس ام اس تلفنی برای ما پرینت بیاورید که با این افراد ارتباط داشته ایم یا در یک مجموعه بوده ایم. پرونده کاملاً متوهمانه ای را تشکیل دادند و از ارائه به وکیل هم خودداری کردند. چیزی که ما الان می خواهیم این است که مجدد رسیدگی شود، وکیل حضور داشته باشد و به صورت عادلانه اگر کاری کردیم قطعاً پای هزینه اش هم ایستاده ایم. اما این اوج بی عدالتی است که به این شکل پرونده سازی کنند و به این شکل هم حکم بدهند."

← مقاله بعدی

خواهر محمد علی طاهری: پس از قرار منع تعقیب نمی دانیم دیگر به چه دلیل با آزادی او ممانعت می شود
(<https://persian.iranhumanrights.org/1395/07/mohammad-ali-taheri-8>)

→ مقاله قبلی

نرگس محمدی: زندان را تحمل خواهم کرد، اما حتی یک روز آن را
قانونی، انسانی و اخلاقی نمی دانم
(<https://persian.iranhumanrights.org/1395/07/narges->)



(<https://persian.iranhumanrights.org/1395/07/mohammadi-letter>)

(mohammadi-letter)

مطالب مرتبط



(<https://persian.iranhumanrights.org/1396/07/arash-sadeghi-exile-to-rajai-shahr-prison-in-karaj>)



(<https://persian.iranhumanrights.org/1395/07/mohammad-ariaei-critical-health-condition>)

SHARE THIS



(https://persian.iranhumanrights.org/1395/12/arash-sadegh-iirgc)

آخرین اخبار

اعتراض دانشجویان به فضای امنیتی دانشگاه؛ گفتگو با محمد شریفی فعال دانشجویی (https://persian.iranhumanrights.org/1396/09/student-day-16-azar-1396)
 آذر ۱۶، ۱۳۹۶



توجه‌های جدید قیمت اینترنت: به اسم «مصرف منصفانه»، به کام سانسور و نقض بی‌طرفی شبکه (https://persian.iranhumanrights.org/1396/09/violation-of-net-neutrality-in-iran-will-lead-to-more-censorship-of-the-internet)
 آذر ۱۴، ۱۳۹۶



پیگیری، اصلاح مقررات؛ واکنش صادقی و مولودی به تبعیض تحصیلی و حقوق اقلیت‌های مذهبی (https://persian.iranhumanrights.org/1396/09/mahmoud-sadeghi-on-the-law-of-universities-faculty-members)
 آذر ۱۴، ۱۳۹۶



ادامه منع فعالیت حسین زمان در دوره دوم حسن روحانی؛ وزیر ارشاد هیچ اختیاری ندارد (https://persian.iranhumanrights.org/1396/09/hossein-zaman-on-minister-of-culture-and-islamic-guidance)
 آذر ۱۴، ۱۳۹۶

SHARE THIS